

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

۹۹/۰۳/۱۷

بسم الله الرحمن الرحيم

« فهرست دروس

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر

رجال

دروس به زبان عربی

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس ها

راهنمای تقریر نویسی

پخش زنده

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

دریافت نرم افزار

زمان درس ها

نحوه گفتگو

تالارها

امکانات جانبی

سوالهای متداول

مشکل نمایش حروف فارسی

موضوع: مسائل مستحدثه/ مسأله کرونا/ بیماری های مسری در

تاریخ و روایت

مقدمه اخلاقی

این روایت مرتبط با بیماری این روزها یعنی کرونا است. امام

صادق علیه السلام: **انّ الله اذا احبّ عبدا غتّه بالبلاء غتّا. [۱]**

خداوند هرگاه انسانی را دوست داشته باشد او را غوطه ور در بلاء

می کند. بلا همیشه نا مطلوب نیست.

خلاصه ای از مباحث گذشته

به این نتیجه رسیدیم که بلیه اعم از حسنه و سیئه است گرچه

بلا را مشهور بر مصیبت و سیئه حمل می کنند. در منظومه معرفتی

اسلام و در هندسه اسلام و در نظام احسن که **﴿فتبارک الله****احسن الخالقین﴾ [۲]** همه هستی با هم سنجیده می شود. هم

انسان باید حکیم باشد که کارهایش باید بنیانی داشته باشد و هم

حضرت حق حکیم است. تفاوت این دو حکمت این است که در

ذات باری تعالی، حکمت به معنای این است که تمام افعال ایشان

بر اساس حکمت و غرض و انگیزه مخصوص است. حکمت خدا

یعنی کمالات موجودات را به آنچه نیاز دارند، تأمین می کند.

نگاه وجودی به بلایا

نگاه به بلایا کلی است نه جزئی. در نگاه کلی، بلایا به وجودات بر می‌گردد نه به ماهیات. باید این را در نظام آفرینش بسنجیم. در مباحث فقهاتی کرونا هستیم. مریضی‌ای آمده است، اگر آن را به لحاظ خودش بگیریم نقص و ذم نیست. نقص آن وقتی است که عده‌ای گرفتار می‌شوند و جان آنها گرفته می‌شود. موجودات به لحاظ خودشان کمال مطلوب دارند. اقتضای حکمت خداوند رساندن هر موجودی به کمال لایق خود است تا حدی که ممکن باشد. این امکان، امکان استعدادی است. این امکان با رسیدن و نیز با نرسیدن به مقصد لیاقت و استعدادش را از دست می‌دهد.

وجوب استعانت و صبر

اگر امر دال بر وجوب باشد استعانت به صبر و صلوات واجب می‌شود. ﴿استعینوا بالصبر و الصلاة﴾. [۳] شاید قتال فی سبیل الله هم یکی از مصادیق صبر است. این ۵ موضوعی که در آیه آمده است (ترس، گرسنگی، نقص در اموال، در جان‌ها و در ثمرات) از مصادیق صبر است. هم همراهی خدا با صابران و هم بشارت به آنان آمده است. [۴]

استعینوا بالصبر در برخی روایات معصومین علیهم السلام علاوه بر روزه [۵] یا بر صبر علی الاطلاق به ولایت هم معنا شده است. استعانت به صبر یعنی استعانت به ولایت. [۶]

بدی بلایا نسبی است

وقتی گفتیم بلایا وجودی است و نسبتش بد است نه خودش، بسیاری از سؤالات سالبه به انتفاء موضوع می‌شود. چرا کرونا چرا سیل چرا آفات؟ همه منتفی می‌شود. نگاه ما به بلایا نگاه چرایی نباید باشد. چون حکیم هیچ‌گاه چرا ندارد. همه چیز فلسفه وجودی دارد. در ماهیات تصادم و تراحم است. صنع حضرت حق کلی است نه جزئی. صنع باری تعالی ضروری است. ضرورت ازلی دارد.

بنده پیر مغانم که ز جهلم برهاند پیر ما هر چه کند عین عنایت
باشد [۷]

این نگاه جالبی است که در نظام احسن الهی همه موجودات به
کمال مطلوبشان باید برسند. در رسیدن چیزی به کمالش تنها
فاعلیت باری تعالی کافی نیست بلکه قابلیت هم لازم است.
عاشقی را قابلیت لازم است طالب حق را حقیقت لازم

است [۸]

واجب الوجود من جمیع الجهات از همه جهات واجب الافاضه
است ولی تا قابلیت از این سو نباشد، استعداد از جانب مخلوق
محقق نمی شود. شرور فی ذاتها بد نیستند بلکه در وجود عرضی و
نسبی بد می شود. قبلا در دروس حکمت گفته ایم جعلشان عرضی
است.

در آیه ۳۰ شورا داریم که مصیبت ها بما کسبت انفسکم است
﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ﴾.
[۹] به لحاظ مخلوق است. کسب هر چیزی به حسب خودش
است.

فعال بودن و بیروس و مسری بودن آن هنر آن است. کمال آن
بیشتر است مانند تیزی کارد. ولی آنی که بد است جان شخص را
می گیرد. کارد در دست جانی بد است. آفات و شرور تمام امور
نسبیه هستند نه حقیقیه.

مصادیق دیگر بیماری های مسری

ما در موارد مختلف الا ما خرج بالدلیل قائل به تمثیل
هستیم. اساتید ما می گفتند تاریخچه مباحث در حل آنها مؤثر
است. لذا ما تاریخچه را باید بگوییم. ما کرونا را به عنوان یک
مثال می شناسیم. تاریخچه ای از نمونه های شبیه به کرونا خواهیم
بگوییم حدود ۲۰ مورد شبیه این داشتیم که ویرانگری آن بیشتر
بوده است.

۱. یکی از آنها طاعون است. کرونا هم طاعون جدید است.

۲. دیگری آنفلونزا است از نوع آ و دیگر. گاهی به نام

محل معروف می‌شد مانند آنفلونزای هنگ کنگی.

به عنوان ویروس مسری نه اول است و نه آخر.

۳. مثال دیگر وبا است. از هندوستان شروع شد. در سال

۱۸۵۲ تا ۱۸۶۰ میلیون‌ها نفر تلفات داد.

۴. دیگری ویروس سل است.

گاهی شیوع آنها خیلی فراگیر بود که به تخلیه شهرها می‌رسید.

طاعون در زمان ائمه ما علیهم السلام هم بوده است.

۵. دیگری آبله؛

۶. حصبه و حصبه کودکان.

بله فقهای که می‌گویند ما متعبد به متن روایت هستیم فقط باید روایت را به همان منحصر کنند. بیماری‌های مسری به کرونا منتهی نمی‌شود نه اولی است و نه آخری. فقه ما پویا است و باید نمونه‌هایش را در آیات و روایات ببینیم. صدها ویروس مسری تا کنون شناسایی شده است. خود کرونا موضوعات مختلفی دارد.

طاعون و بیماری‌های مسری در تاریخ و حدیث

جناب دینوری در المعارف، ج ۱، ص ۶۰۱ می‌گوید: قال أبو محمد: حَدَّثَنِي أَبُو حَاتِمٍ، عَنْ الْأَصْمَعِيِّ، قَالَ: أَوَّلُ طَاعُونٍ فِي الْإِسْلَامِ طَاعُونُ «عَمَاس» ب «الشَّامِ»، فِيهِ مَاتَ «مَعَاذُ بْنُ جَبَلٍ»، وَامْرَأَتَاهُ وَابْنُهُ، وَ «أَبُو عُبَيْدَةَ بْنُ الْجَرَّاحِ». وَطَاعُونُ «شَيْرُوبَه» ب «كُسْرَى» ب «العِرَاقِ»، فِي زَمَنِ وَاحِدٍ، وَكَانَا جَمِيعًا فِي زَمَنِ «عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ». وَبَيْنَ طَاعُونِ «شَيْرُوبَه» وَبَيْنَ طَاعُونِ «عَمَاس» مَدَّةٌ طَوِيلَةٌ. ثُمَّ طَاعُونُ «الْجَارِفِ» فِي زَمَنِ «ابْنِ الزَّيْبِرِ» سَنَةَ تِسْعٍ وَسِتِينَ، وَعَلَى «الْبَصْرَةِ» يَوْمَئِذٍ «عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَعْمَرٍ». ثُمَّ طَاعُونُ «الْفَتِيَّاتِ»، لِأَنَّهُ بَدَأَ فِي الْعَذَارَى وَالْجَوَارِي ب «الْبَصْرَةِ»، وَب «وَاسِطٍ» وَب «الشَّامِ» وَب «الْكُوفَةِ»، وَ «الْحِجَاجِ» يَوْمَئِذٍ

ب «واسط» في ولاية «عبد الملك بن مروان» ، ومات فيه «عبد الملك بن مروان» ، أو بعده بقليل، ومات فيه «أمية بن خالد بن عبد الله بن خالد بن أسيد» ، و «علي بن أصمع» ، و «صعصة بن حصن» ، وكان يقال له: طاعون الأشراف. ثم طاعون «عدى بن أرطاة» سنة مائة.

ثم طاعون «غراب» سنة سبع وعشرين ومائة. و «غراب» رجل من «الرباب» ، وكان أول من مات فيه، في ولاية «الوليد بن يزيد ابن عبد الملك». [١٠]

اولين طاعون در شام آمد كه معاذ بن جبل و همسرش مرد و برخی دیگر. ابتدا اشراف را می گرفت. در زمان عمر بن خطاب و در زمان ابن زبیر آمد. فقهای جهان اسلام نگاهشان به این ویروس فرا مرزی و فرا ویروسی بوده است. حتی در برخی تاریخها داریم در سال ۶ ام هجری هم طاعون آمد. حتی يقال له طاعون الاشراف. در سال ۱۲۷ هجری هم طاعون غراب آمد چه بسا منشأ آن پرندگان و کلاغ بود. وبا از مرده ها به وجود می آید مرده حیوانات یا انسان. آیا می توان گفت اینها یک جامعی دارد که به همان مشهور می شود؟ بله می توان گفت. بیماری های مسری هم در تاریخ ملت ها است و هم در روایات. برخی بزرگان ما راجع به طاعون هنگام رواج کتاب و رساله های علمی مختلف نوشتند. این قدر به روز بودند. زهر الربیع سید نعمت الله جزایری. کتابی دارد مسکن الشجون فی الوباء و الطاعون.

اینکه برخی مریضی ها نوعی هستند که از آثار ظهور امام عصر ارواحنا فداه است. احتمال می توان داد ولی یقینی نیست که ظهور واقع می شود. [۱۱] در زمان طاعون هم گفتند.

نباید علایم ظهور را سریع به مصداق تطبیق دهیم. مسأله ای فرازمانی را به زمان نسبت دهیم. بله نشانه های قطعی داریم. نسبت نشانه ها و ظهور سببی و مسببی نیست. داخل در احادیثی می شود

که برای ظهور وقت تعیین می‌کنند که مأمور به تکذیب هستیم. **سرایت در روایت** کرونا جزو بیماری‌های هاد تنفسی است که انواعی دارد از جمله سل. بیماری مسری دایره‌اش گسترده‌تر می‌شود اگر کل بیماری‌ها را بگیریم بسیار وسیع‌تر می‌شود. بیماری‌های مسری اعم از بیماری‌های بین حیوان و انسان است. مثلاً ایدز را بگویند خاص انسان است. کرونا هم بحثی است که در حیوانات قابل سرایت است یا خیر.

آیا سرایت در فقه همان سرایت در پزشکی است یا خیر؟ شاید پزشک به بیماری‌ای بگوید مسری ولی فقه نگوید.

مثلاً حتی در برخی مریضی‌های مشترک بین دام‌ها، جذام، برص، جرب که همان گری بین حیوانات است. در بحث اعتقادی امر به استقامت در برابر بیماری شده است. اجازه فرار را می‌پرسند و مسأله مراقبت را مطرح می‌کنند. در صحیح بخاری و هم در صحیح مسلم است در صحاح سته اهل سنت برای طاعون مطالبی آمده است. نسبت به جرب مطالب خوبی آمده است. فرد می‌گوید دیدم دام‌ها مناسب است فهمیدم مبتلا به جرب شده‌اند. از امام صادق علیه السلام سؤال می‌کند که مجاز به خریداری اینها هستم یا خیر؟ در برخی نقل‌ها هست که حضرت فرمودند عدوی یعنی سرایت پیدا کرده است یا خیر؟ فرمودند اگر در همانجا نگه دارید اشکالی ندارد. لا عدوی یعنی سرایتی نیست. به لحاظ اصل مریضی اول در نظر می‌گیرند.

محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن محبوب قال: أخبرنا النضر بن قرواش الجمال قال: سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن الجمال يكون بها الجرب أعزلها من إبلي مخافة أن يعديها جربها والدابة ربما صفرت لها حتى تشرب الماء؟ فقال أبو عبد الله (عليه السلام): إن أعرابيا أتى رسول الله (صلى الله عليه وآله) فقال: يا رسول الله إني أصيب الشاة والبقرة والناقة

بالثمن اليسير وبها جرب فأكره شراءها مخافة أن يعدي ذلك الجرب إبلي وغنمي؟ فقال له رسول الله (عليه السلام): يا أعرابي فمن أعدى الأول، ثم قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): لا عدوى، ولا طيرة، ولا هامة، ولا شوم، ولا صفر، ولا رضاع بعد فصال ولا تعرب بعد هجرة، ولا صمت يوما إلى الليل، ولا طلاق قبل نكاح، ولا عتق قبل ملك ولا يتم بعد إدراك. [١٢]

ولی به لحاظ مراقبت می‌فرمایند به شهر طاعون‌زده وارد نشوید و اگر در آن هستید از آن خارج نشوید: إذا سمعتم بالطاعون بأرض فلا تدخلوا عليه، وإذا وقع وأنتم بأرض فلا تخرجوا منها. [١٣]

خود کرونا را نداشته‌ایم ولی نمونه‌هایش را داریم که برخی روایات صحیح‌ه را ان شاء الله عرض می‌کنیم. **سیر بحث کرونا**

۱. چرایی

۲. تحقق و سابقه

۳. احکام مرتبطی همانند وضو، غسل، احکام فردی، اجتماعی و ملی و حکومتی آن و با تمدن جهانی.

۴. بحث‌های عمده‌ای مانند مراقبت و اینها را داریم ان شاء الله و تراجم احکام آن با برخی احکام دیگر.

-
- [١] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ٣، ص ٢٦٣، أبواب التیمم، باب ١٢، ح ١١، ط آل البيت.
- [٢] مؤمنون/سوره ٢٣، آیه ١٤.
- [٣] بقره/سوره ٢، آیه ١٥٣.
- [٤] بقره/سوره ٢، آیه ١٥٥.
- [٥] تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، قمی مشهدی، محمدرضا، ج ١، ص ٤٠٩.

- [۶] تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، قمی مشهدی،
محمدرضا، ج ۱، ص ۴۰۸.
- [۷] حافظ شیرازی.
- [۸] ناصرالدین شاه قاجار.
- [۹] شوری/سوره ۴۲، آیه ۳۰.
- [۱۰] المعارف، الدینوری، ابن قتیبہ، ج ۱، ص ۶۰۱.
- [۱۱] بحار الأنوار - ط مؤسسة الوفاء، العلامة المجلسي، ج ۵۲،
ص ۱۱۹.
- [۱۲] الکافي - ط الاسلامیة، الشیخ الكليني، ج ۸، ص ۱۹۶.
- [۱۳] کنز العمال، المتقي الهندي، ج ۱۰، ص ۷۵.

